

۶ - ۹۶۶۱ - یونس و علی بن ابی طالب
پهله: نایب - روحانی و عالمیه حمصی: یونس و علی بن ابی طالب منشیه ۱۸۶۱

۱۸۶۱
۷۹۱/۷۹۸
۷۹۱/۷۹۸
۱۸۶۱
۱۸۶۱
۱۸۶۱

سور بز

(The Feast of the Goat)



نوشته ماریو بارگاس یوسا

ترجمه عبدالله کوثری

یونس و علی بن ابی طالب منشیه

روحانی و عالمیه حمصی

۷۹۱/۷۹۸

۷۹۱/۷۹۸

۷۹۱/۷۹۸

۷۹۱/۷۹۸

۷۹۱/۷۹۸

۹۶۶۱ - ۹۶۶۱ - یونس و علی بن ابی طالب منشیه

انتشارات علم

تهران - ۱۳۸۸

۷۹۱/۷۹۸

اورانیا.^۱ پدر و مادر چندان لطفی در حق اش نکرده بودند، نامش آدم را به یاد سیاره‌ای در آسمان یا فلزی معدنی می‌انداخت، به یاد همه چیز مگر زنی بلندبالا و خوش سیما با پوست آفتاب سوخته و چشم‌های درشت و سیاه کم و بیش غمگین که از توی آینه به او نگاه می‌کرد. اورانیا! واقعاً که چه اسمی. خوشبختانه حالا دیگر کسی به این اسم صدایش نمی‌کرد، حالا به او اوری می‌گفتند، یا دوشیزه کابرال، یا خانم کابرال، دکتر کابرال. تا آنجا که یادش می‌آمد از وقتی ساتو دومینگو^۲ یا سیوداد تروخیو^۳ را (آخر آن روزها هنوز نام قدیمی شهر را به آن برنگردانده بودند) ترک کرده بود، در آدریان^۴ یا بوستن یا واشنگتن دی.سی یا نیویورک هیچ کس اورانیا صدایش نکرده بود، برخلاف خانه یا مدرسه ساتو دومینگو که خواهران راهبه و هم‌کلاسی هاش این اسم مضحک را که از وقت تولد به او تحمیل شده بود دقیق و درست تلفظ می‌کردند. بیینی سلیقه پدرش بود یا مادرش؟ دیگر خیلی دیر است، دخترجان، مادرت توی بهشت است و پدرت محکوم به مرگی تدریجی. هیچ وقت سر در نمی‌آری. اورانیا! چه بی‌معنی، درست

1. Urania

2. Santo Domingo

3. Ciudad Trujillo. سیوداد به معنای شهرم.

4. Adrian